

I spoke with Ali.	من با علی صحبت کردم
Last night	دیشب
I want to see the museums.	میخوام موزه ها رو ببینم
Too many things	چیزای خیلی زیادی
Of course I drink tea!	البته که چای میخورم
Sometimes	بعضی وقتها
You don't drink coffee, do you?	تو قهوه نمیخوری ، نه؟
Do you know Los Angeles?	لس آنجلس رو بلدی؟
Ali just went to work.	علی همین الان رفت سرکار

Nice to meet you Mr. Smith.	از ملاقاتتون خوشبختم آقای اسمیث
Did you come alone?	آیا تنها اومدید؟
No, my daughter's here, too.	نه ، دخترم هم اینجاست
Which one?	کدوم یکی؟

My younger daughter	دختر کوچکترم
My older daughter lives here.	دختر بزرگترم اینجا زندگی میکنه

Since when?	از کی؟
Since last year	از پارسال

When did your wife arrive?	خانمتون کی رسید؟
Last night	دیشب

My wife arrived last night.	خانم دیشب رسید
She arrived last night.	اون دیشب رسید
Last year	پارسال
Night	شب

How old is your daughter?	دخترتون چند سالشه؟
She's seventeen.	هفده سالشه
She's seventeen years old.	

How old is your son?	پسرتون چند سالشه؟
He's fourteen.	چهارده سالشه
He's fourteen years old.	

He's younger than my daughter.	اون از دخترم کوچکتره
My daughter is older than my son.	دخترم از پسرم بزرگتره
My daughter's older than my son.	

How old are you?	چند سالته؟
I'm fifty years old.	پنجاه سال دارم
I'm fifty.	

Do you live in Canada? Yes, I do.	کانادا زندگی میکنی؟ جواب مثبت کوتاه
Do they speak English in Canada? A lot of people speak English there.	آیا اونجا تو کانادا انگلیسی صحبت میکنن؟ آدمای زیادی اونجا انگلیسی صحبت میکنن
But I spoke Persian there.	ولی من اونجا فارسی صحبت کردم
I didn't know you're from Iran. We went to the mall. I know.	رفتیم پاساژ میدونم
I spoke with you this morning. You went with your grandchildren. And you bought a few things.	امروز صبح باهات صحبت کردم با نوه هات رفتی و یه چند تا چیز خریدید
Did you speak English with them? No, I spoke Persian with them. What did you buy at the mall?	نه، با اونجا فارسی صحبت کردم در پاساژ چی خریدین؟
Too many things I know.	چیزهای خیلی زیادی (بیش از حد) میدونم
Children buy too many things. Yes, they bought too many things.	بچه ها خیلی زیاد چیز میخرن آره، اونجا خیلی زیاد چیز خریدن
Then we went to a museum. Museum	بعد رفتیم به یه موزه موزه
Many things	چیزای زیادی
A lot of money A lot of things	یه عالمه پول یه عالمه چیز
We saw a lot of things.	خیلی چیزا دیدیم
When did you go to Iran? I went there last year.	کی رفتی ایران؟ پارسال رفتم اونجا
How long did you stay there? I stayed there a few weeks.	چند وقت اونجا موندی؟ یه چند هفته ای اونجا بودم
Did you see your parents there? Of course I saw them!	والدینتو اونجا دیدی؟ البته که دیدمشون
Of course Do you know my friend? Which one?	البته آیا دوستمو میشناسی؟ کدوم یکی؟

My friend Shahram.	دوستم شهرام
Of course I know him!	البته که می‌شناسمش
You drink tea, don't you?	تو چای میخوری ، نه؟
You don't drink tea, do you?	تو چای نمیخوری ، نه؟
Of course I drink tea!	البته که چای میخورم

مکالمه

فرهاد، با علی صحبت کردی امروز صبح؟

A: Farhad, did you speak with Ali this morning?

آره باهاش صحبت کردم، اما نه امروز صبح . امروز صبح اون رفت شیکاگو واسه دیدن چندتا از دوستاش.

B: Yes, I spoke with him but not this morning. This morning he went to Chicago to see some of his friends.

پس کی باهاش صحبت کردی؟

A: Then when did you speak with him?

دیشب.

B: Last night.

آیا اون هنوزم توی پاساژ کار میکنه؟

A: Is he still working at the mall?

دیگه نه . اون الان یه شغل جدیدی داره.

B: Not anymore. He has a new job now.

واقعاً؟

A: Really?

آره، اون الان تو یه موزه کار میکنه. آیا دوستش شهرام رو می‌شناسی؟

B: Yes, he's working at a museum now. Do you know his friend Shahram?

نه، چرا؟

A: No, I don't. Why?

اونم تو موزه کار میکنه.

B: He works at the museum, too.

آیا اون واسش کار پیدا کرد؟

A: Did he find a job for him?

مطمئن نیستم.

B: I'm not sure.

آیا علی نوه داره؟

A: Does Ali have any grandchildren?

نه، پسرش خیلی کوچکن واسه داشتن بچه.

B: No, his sons are too young to have children.

چند سالشونه؟

A: How old are they?

پسر کوچکش ده سال و اون بزرگه شانزده.

B: His younger son is ten and the older one is sixteen.

اوکی فرهاد. من باید الان برم خونه. بعداً میبینمت.

A: Okay, Farhad. I have to go home now. See you later.

باشه. بای.

B: All right. Goodbye.

I want to see a few things in Los Angeles.

I want to see the museums.

میخوام یه چند چیز تو لس آنجلس ببینم

میخوام موزه ها رو ببینم

What did you do yesterday?

We went to a restaurant last night.

Then we went to the mall.

دیروز چکار کردین؟

دیشب رفتیم به یه رستوران

بعدش رفتیم پاساژ

With your wife?

Yes, we went together.

با خانمت؟

بله، با هم رفتیم

Did you buy anything?

I didn't buy anything.

چیزی خریدی؟

من چیزی نخریدیم

But my wife bought a few things.

She bought too many things.

ولی خانمم یه چند تا چیز خرید

چیزای خیلی زیادی خرید

Do you go to the mall every day?

Not every day

تو هر روز میری پاساژ؟

هر روز نه.

But I sometimes go to the mall.

What does sometimes mean?

It means...

اما من گاهی اوقات میرم پاساژ

I sometimes go to the mall.
Sometimes

من بعضی وقتا میرم پاساژ
بعضی وقتها (گاهی اوقات)

Do you like soda?
I sometimes drink soda.

نوشابه دوست داری؟
بعضی وقتا نوشابه میخورم

I try to drink a lot of water.
Water is good for you.
Water's good for you.

سعی میکنم زیاد آب بخورم
آب واست خوبه

Do you like tea?
I sometimes drink tea.

چای دوست داری؟
بعضی وقتا چای میخورم

And coffee?
No, I don't like coffee.

قهوه چطور؟
نه ، قهوه دوست ندارم

Can I borrow twenty dollars?
Of course you can!

میتونم بیست دلار قرض کنم؟
البته که میتونی

I can give you more if you want.
No, that's enough.
But thanks anyway.

میتونم بیشتر بهت بدم اگه بخوای .
نه، اون کافیه
ولی به هرحال مرسی

Night
Last night
Spoke
Speak
Spoke
Things
Too many things
Museum
Of course
Sometimes
Time
Times
Sometimes

مکالمه

فرزین آیا سکرامنتو رو خیلی خوب بلدی؟
A: Farzin, do you know Sacramento very well?

البته که آره. چرا؟
B: Of course I do! Why?

اینجا کنار دریا کجاست؟
A: Where's the beach here?

کنار دریا؟ هیچ ساحل هایی اینجا نیستند.
B: The beach? There aren't any beaches here.

فکر میکنم اونجا هستند. من دیشب با لیلا صحبت کردم. اون رفت ساحل هفته گذشته.
A: I think there are. I spoke with Leila last night. She went to the beach last week.

لیلا کجا زندگی میکنه؟
B: Where does Leila live?

توی سانفرانسیسکو زندگی میکنه.
A: She lives in San Francisco.

فکر میکنم تو اونو متوجه نشدی. ساحلهای زیادی توی سانفرانسیسکو هستند، اما نه اینجا تو سکرامنتو.
B: I think you didn't understand her. There are many beaches in San Francisco. but not here in Sacramento.

تا حالا توی سانفرانسیسکو بودی؟
A: Have you been to San Francisco yet?

آره، بعضی وقتا میرم اونجا. تعدادی از دوستانم توی سانفرانسیسکو زندگی میکنن.
B: Yes, I sometimes go there. Some of my friends live in San Francisco.

چقدر از اینجا دوره؟
A: How far is it from here?

مطمئن نیستم. فکر میکنم صد و چهل مایله.
B: I'm not sure. I think it's one hundred forty miles.

میتونیم امروز بریم اونجا؟
A: Can we go there today?

فکر نمیکنم امروز بتونیم بریم. اما فردا میتونیم بریم.
B: I don't think we can go today, but we can go tomorrow.

فردا کی؟

A: When tomorrow?

میتونیم صبح زود بریم اگه بخوای.

B: We can go early in the morning if you want.

منظورت ساعت پنج صبح که نیست ، هست؟

A: You don't mean at five o'clock, do you?

نه ، اما میتونیم ساعت هشت بریم.

B: No, but we can go at eight.

اوکی، میتونی منو هفت بیدار کنی؟

A: Okay. Can you wake me up at seven?

البته.

B: Of course!

Do you know Los Angeles?

آیا لس آنجلس رو بلدی؟

Not very well
I've been there.

خیلی خوب نه
من اونجا بودم

But I don't know it very well.
Where do you want to go?

اما خیلی خوب بلدش نیستم
کجا میخوای بری؟

I saw Marjan last week.
What did she say?

من هفته گذشته مرجان رو دیدم
اون چی گفت؟

She said.
We can go to the San Jose today.

اون گفت
میتونیم امروز بریم سن خوزه

Would you like to go, too?
Not today
But I'd like to go there.

آیا تو هم دلت میخواد بری؟
امروز نه
ولی من دلم میخواد اونجا برم

I said, not today.
Maybe tomorrow

گفتم امروز نه
شاید فردا

I saw Mina this morning.
What did she say?

امروز صبح مینا رو دیدم
چی گفت؟

She said she wanted to go to England.
I'm a little tired.

گفت میخواست بره انگلستان
من یه خورده خسته ام

You worked a lot today. Yes, but I'd like to go to a restaurant now.	تو یه عالمه امروز کار کردی آره، ولی الان دلم میخواد برم به یه رستوران
How old is your son? He's twenty-six years old. He's twenty-six.	پسرت چند سالشه؟ بیست و شش سال داره
Is he home now? No, he just went to work. He just went to work.	الان خونه است؟ نه، همین الان رفت سرکار همین الان رفت سرکار
Did you speak with Shadi? Did you speak to her?	با شادی صحبت کردی؟
Yes, I just spoke with her.	اره همین الان باهاش صحبت کردم
I just bought a car.	من همین الان یه ماشین خریدم
We sometimes speak English. Can you speak Persian, too? Of course	ما بعضی وقتا انگلیسی صحبت میکنیم آیا فارسی هم میتونی صحبت کنی؟ البته
Of course we can!	البته که میتونیم
You sometimes don't understand me.	تو بعضی وقتا نمیفهمی چی میگم
You sometimes speak too fast. I sometimes don't understand you.	تو بعضی وقتا خیلی سریع صحبت میکنی من بعضی وقتا نمیفهمم چی میگی